

انگشت در کردن

علیرضا شاپور شهبازی

ترجمه و تکمله: ابوالفضل خطیبی

در تاریخ بیهقی در بخش «ماجرای بر دار کردن حسنک وزیر»، از قول محمود غزنوی چنین می‌خوانیم: «من از بهر قدر عباسیان انگشت در کرده‌ام در همه جهان و قمرطی می‌جویم».

در این عبارت شارحان بیهقی و فرهنگ‌های فارسی انگشت در کردن را به معنی «سخت جستجو کردن و یافتن» معنی کرده‌اند؛ اما زنده‌یاد دکتر علی‌رضا شاپور شهبازی در سلسله‌یادداشت‌های خود به انگلیسی، در این ترکیب، سنتی کهن از ادای احترام به سبک ایرانی را یافته است. در زیر نخست عین ترجمه‌یادداشت آن مرحوم را می‌آوریم^۱ سپس خود مطالبی به آن می‌افزاییم.

طرحی از نقش برجسته مهر داد دوم اشکانی در بیستون، که یکی از همراهان جان‌کاردین در ۱۶۷۳-۱۶۷۴ (تصویر ۱)^۲ آن را ترسیم کرده است، نشانه‌ای از ادای احترام به سبک اشکانی را می‌نماید که در آن شخصی دست راستش را اندکی خم کرده و در حالی که آن را نیمه‌مشست کرده، یعنی دو انگشت اشاره و میانی را بالا برده، در مقابل فردی که به او ادای احترام شده گرفته است. یک جام بازمانده از دوران ساسانیان منقوش به صحنه‌ای

(۱) برای این یادداشت ←

Shahbazi, A. Sh., "Iranian Notes 11", *Archaeologische Mitteilungen aus Iran* 19, 1986, PP. 166-9.

2) After R. Ghirshman *Iran. The Parthian and Sassanian Dynasties* (London 1962) fig. 65.

از ضیافت دو دل‌داده از خاندان شاهی ثابت می‌کند ساسانیان نیز از این نشانه استفاده کردند (تصویر ۲)؛^۳ اما آنان در بیشتر موارد این سبک ادای احترام را ساده کردند، به این صورت که دستِ بالابرده شده فقط با انگشت نشانه ادای احترام شده است.^۴ این نشانه برای ادای احترام به ایزدان (تصویر ۳)^۵ و پادشاهان نیز کاربرد داشته و پس از فروپاشی ساسانیان همچنان ادامه یافته است.

یک استودان سغدی، متعلق به قرن هفتم میلادی، الگوی اشکانی را می‌نماید (تصویر ۴)؛^۶ در حالی که در بسیاری از نقاشی‌های سغدی متعلق به قرن‌های هفتم و هشتم میلادی همان الگوی ساده‌شده ساسانی نقش شده است.^۷ چنان‌که ر. گیرشمن نشان داده، در شمایل‌نگاری مسیحیت غربی نیز از الگوی ساسانی اقتباس شده است.^۸ آثاری از همان الگوی ساده‌شده ساسانی هم‌اینک در میان ایرانیان باقی مانده است. کهن‌ترین متن ادبی که از طریق منابع ساسانی به تاریخ طبری رسیده است، متعلق به دوران خسرو پرویز است. در این تاریخ تألیف شده در قرن سوم هجری می‌خوانیم^۹ که، هنگامی که خسرو پرویز از پادشاهی عزل و در خانه‌ای زندانی شد، پسر و جانشین وی، شیرویه، یکی از نجبا به نام اسپاذگشنسپ را نزد پادشاه معزول فرستاد تا او را از اتهاماتی که علیه او مطرح شده بود آگاه سازد. اسپاذگشنسپ، هنگامی که اجازه یافت به اقامتگاه شاه وارد شود:

برخاست و یک تن از خدمتکاران خود را که با او بود بخواند و پوششی که بر خود داشت بگیرد و به او داد و شستگه (دستمال) پاک سفیدی از آستین بیرون آورد و روی خود را با آن

3) After *Ibid.* (fig. 259). 4) *Ibid.* figs. 167, 168, 171, 196, 212, 214, 218, 225.

5) After *Ibid.* fig. 157 - R. N. Frye, "Gesture of Deference to Royalty in Ancient Iran", *Ir Ant* 9, 1972, 105.

بنابراین با گفته او که «کاربرد این نشانه در زمان ساسانیان برای یک فرمانروا و نه یک ایزد تعمیم یافته بود» سازگار نیست.

6) Ghirshman *op. cit.* fig. 434.

7) G. Azarpay, *Soghdian Painting The Pictorial Epic in Oriental Art* (Berkeley 1981) fig. 50 PLs. 13. 26 etc.

8) *op. cit.* [n.62] 294.

9) Th. Noldeke, *Geschichte der Perser und Araber zur Zeit der Sasaniden*. Aus der arabischen Chronik des Tabari (Leiden 1879) 366ff.

بمالید (پنهان کرد) و پیش خسرو رفت و چون او را بدید بر خاک افتاد. خسرو فرمود تا برخیزد. پس برخاست و دست بر سینه نهاد.

همان‌گونه که کریستن سن شرح داده است^{۱۰}، رسم «دست بر سینه نهادن» همان است که معمولاً در نقش برجسته‌های ساسانی نقر شده است. همین رسم در داستان «عمر بن نعمان و پسرانش» منقول در هزار و یک شب، که عموماً آن را داستانی با منشأ ایرانی دانسته‌اند، بیان شده است: «هنگامی که رئیس تشریفات بانویی عالی مقام را دید، به احترام او برخاست و با دست راست خود به او اشاره کرد و گفت: خوش آمدی...»^{۱۱} در تاریخ ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی، مورخ قرن پنجم قمری / نهم میلادی، گزارشی هست که دقیقاً بر همین رسم دلالت دارد؛ آنجا که او از سرخوردگی محمود غزنوی در مقابل خلیفه عباسی، که سلطان را به انتصاب وزیر قمرطی متهم کرده بود، سخن می‌گوید: «امیر ماضی، چنان‌که لجوجی و ضجرت وی بود، یک روز گفت: بدین خلیفه خرف شده باید نشست که من از بهر قدر عباسیان انگشت درکرده‌ام در همه جهان و قمرطی می‌جویم و آنچه یافته آید و درست گردد، بر دار می‌کشند»^{۱۲}. شاهد دیگر را جلال‌الدین رومی (مولوی) معروف که، طبق سنتی قدیمی، آداب مسلمانان صدر اسلام را شرح می‌دهد، به دست داده است. به گفته او^{۱۳}، حضرت محمد (ص)، آنگاه که دشمنان خود را بشکست و شماری از آنان، از جمله عمویش عباس، را به اسارت گرفت، به اسیران پیشنهاد کرد، چنانچه از او هواداری کنند، آزاد می‌شوند. «چون عباس این را بشنید [در حال] انگشت برآورد به صدق تمام ایمان آورد». سرانجام بقایای رسم مذکور شاید امروزه باقی مانده باشد. در مناسک زردشتی، نمازهای آفرینگان بخشی است^{۱۴} که در آن موبد برای تندرستی، دیرزیوی، دارایی و پیروزی شهریار زمین دعا می‌خواند. در این دعاخوانی، در ایران و هند، همه موبدان در اجتماع نمازگزاران انگشتان خود را بالا می‌آورند و در نیایش پایانی خرسندی و

10) *L'Iran sous les Sassanides* (2nd rev. ed. Copenhagen 1944) 401 n. 1.

11) Tr. R. F. Burton (New York 1934 522)

۱۲) تاریخ بیهقی (مسعودی)، به کوشش علی‌اکبر فیاض (تهران ۱۳۳۶ / ۱۹۵۷) ۱۸۳.

۱۳) فیه مافیه، به کوشش میرزا محمد هاشم خوانساری (تهران ۱۳۳۳-۱۳۳۴) ۷.

۱۴) یعنی آفرین دهمان ۸.

نیک‌اندیشی خود را ابراز می‌کنند.^{۱۵}

گذشته از چند شاهدهی که مرحوم شهبازی آورده است، در نظم و نثر فارسی شواهد متعددی وجود دارد حاکی از آنکه این نشانه‌ادای احترام در بین ایرانیان کاربرد داشته است. «انگشت شهادت برآوردن» نشانه‌ اقرار به مسلمانی و «انگشت زنه‌ار برآوردن» نشانه‌ امان‌خواهی، که در متون فارسی به کار رفته و فرهنگ‌ها نیز آن را ثبت کرده‌اند (مثلاً ← لغت‌نامه‌ دهخدا، ذیل «انگشت»)، ظاهراً ادامه‌ همان سنت مذکور در بالاست. «انگشت برآوردن»، غیر از «اقرار به مسلمانی و زنه‌ارخواهی»، به طور کلی به منظور تحسین و تأیید طرف مقابل نیز به کار می‌رفته است. به شواهد زیر توجه فرمایید:

او نیز موافقت مؤذن [را] به آواز بلند انگشت مُسَبِّحِه برآورده بود.^{۱۶}

چون جان رخ او دید، پس از دست گزیدن

انگشت شهادت به تحیات برآورد^{۱۷}

به حسن و لطف چو او در زمانه بی‌مثل است

بدین گواهی در حق او برآر انگشت^{۱۸}

بازگردیم به عبارت بیهقی، «درکردن» اساساً به معنی «داخل کردن» است و نگارنده تاکنون شاهد دیگری در تأیید ترکیب «انگشت درکردن» به معنی «به‌دقت جستجو کردن» نیافته است. چنانچه نظر مرحوم شهبازی را بپذیریم، در اینجا «درکردن» به معنی «به‌در کردن، بیرون آوردن و برآوردن» به کار رفته است. به شاهد زیر توجه فرمایید: «مردم... چون ببینند که حلکا (حیوان شبیه مارماهی) به ریگ فرو شده است، درکنند و به

15) J. J. Modi, *Asiatic Papers III* (Bombay 1927) 188ff. esp. 190.

دکتر کتایون مزدپور درباره‌ این مناسک به نگارنده توضیح دادند که، در این نیایش گروهی، هنگامی که موبد به بخش آفرین‌نامه‌ خستریانه می‌رسد، یک انگشت (اشاره) و، در قسمت بعدی نیایش، دو انگشت (اشاره و میانی) خود را بالا می‌آورد و سپس آن را به پیشانی و لب خود می‌زند (الف.خ).

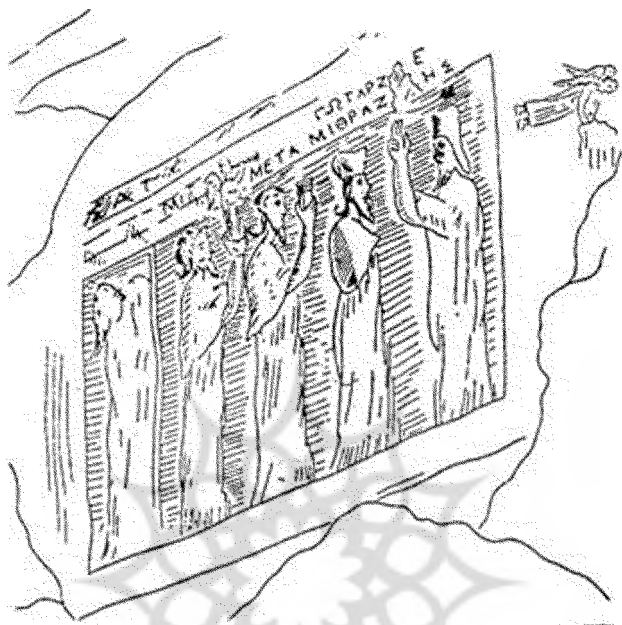
۱۶) پند پیران، به کوشش جلال متینی، تهران، بنیاد فرهنگ، ۱۳۵۷، ص ۱۷۶.

۱۷) دیوان اوحدی مراغی، به کوشش سعید نفیسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۰، ص ۱۵۰.

۱۸) دیوان سیف فرغانی، به کوشش ذبیح‌الله صفا، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۴-۱۳۴۸، ص ۱۶۶.

زودی بگیرند»^{۱۹}.

با توجه به نکات بالا، عبارت بیهقی را می‌توان چنین معنی کرد: من برای قدر و اعتبار عباسیان انگشت احترام و تأیید و تصدیق برآورده‌ام در همه جهان و...

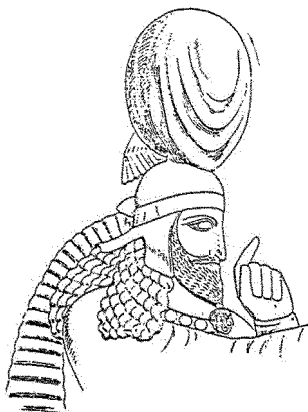


تصویر ۱: نقش برجسته مهرداد دوم اشکانی (طرحی که در قرن هفدهم میلادی کشیده شده است)

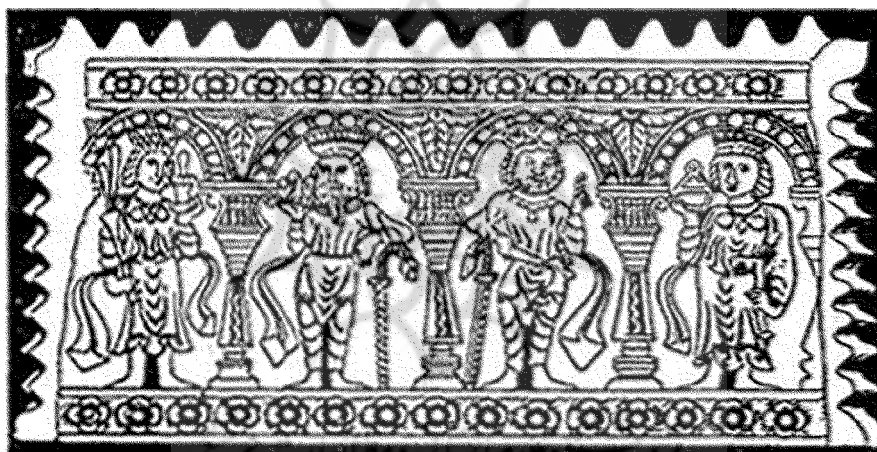


تصویر ۲: دو دلداه در دربار ساسانی در یک ضیافت (جام نقره در مجموعه هنری بالتیمور)

۱۹) نزهت‌نامه‌ی علایی، شهردان بن ابی‌الخیر، به کوشش فرهنگ جهانیور، تهران پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۶۲، ص ۱۸۴.



تصویر ۳: اردشیر یکم به اهورامزدا ادای احترام می‌کند



تصویر ۴: یک استودان سغدی

